

«ترومن» در ابرها



« احمد شریف پور

«زمانی که شما محتوایی را در سرویس‌های ما آپلود می‌کنید، به گوگل (و همکارانش) به صورت جهانی اجازه می‌دهید که این محتوا را استفاده کرده، [در سرورهای مختلف] میزبانی، ذخیره، باز تولید و ویرایش کنند. محتواهایی جانبی را بر اساس محتوای شما تولید کنند (مانند ترجمه و بهینه‌سازی برای هماهنگی بهتر با سرویس‌های گوگل) و آن‌ها را به همراه محتوای شما منتشر کرده، به صورت عمومی به اجرا یا نمایش درآورند یا توزیع کنند. حقوقی که شما بر اساس این مجوز به ما واگذار می‌کنید صرفاً به منظور اداره، ترویج و بهینه‌سازی سرویس‌های ما و همین‌طور راه‌اندازی سرویس‌های جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مجوز حتی زمانی که شما استفاده از سرویس‌های ما را متوقف کنید به قوت خود باقی خواهد بود.»

جمله‌های بالا ترجمه بخشی از موافقتنامه استفاده از سرویس‌های گوگل است. اما بسیاری از کاربران در سراسر دنیا و نه فقط ایران، با خوشحالی تمام و بدون توجه به این موارد و نکات مشابه فراوانی که در Terms of service یکپارچه گوگل آمده است، به استفاده از سرویس تازه گوگل یعنی Google Drive روی آورده‌اند. فارغ از این‌که حقوقی که به گوگل واگذار می‌کنند در واقع بهایی است که همه کاربران این سرویس‌های «رایگان» باید برای بهره‌مندی از مزایای قابلیت دسترسی از همه‌جای دنیا، داشتن پشتیبانی قابل اطمینان از داده‌ها و امکانات کار گروهی و به اشتراک‌گذاری اسناد «بپردازند».

برداشتن از کل عبارات فوق به صورت خلاصه این است که هیچ داده خصوصی و امنی وجود نخواهد داشت! شاید این امر برای کاربران عادی و کسانی که برای ذخیره اسناد ساده شخصی و حتی کارهای گروهی ساده از این سرویس استفاده می‌کنند (و این ممکن است شامل ۹۰ درصد افراد جامعه باشد)، هیچ مشکلی ایجاد نکند اما بد نیست

بدانید که انتشار اسناد سازمانی به هر نحوی در بسیاری از سازمان‌های دنیا جرم محسوب شده و ممکن است موجب اخراج کارکنان شود. انتشار چنین اسنادی در مورد سازمان‌های خاصی نظیر بانک‌ها، ولو این‌که باعث افزایش اسرار داخلی یا اطلاعات مشتریان نشود، باعث پیگرد قانونی و حتی مجازات زندان خواهد شد.

جدا از دردهای مربوط به مجوز، این سرویس نوظهور به رغم کاربرپسند بودن و سادگی ذاتی که خاص محصولات گوگل است، مشکلات دیگری را نیز با خود به همراه خواهد آورد.

نخست این‌که برای ایجاد امکان ویرایش و انجام کار گروهی بر روی اسناد، لزوماً باید آن‌ها را به فرمت اسناد گوگل درآورد. فرمتی که شما هم شک نخواهید داشت که برای سازگاری هرچه بیشتر با الگوریتم‌های جست‌وجوی گوگل بهینه شده است. سایر اسناد تنها قابل مشاهده خواهند بود.

دیگر این‌که گرچه نسخه کلاینت موبایل Drive برای آندروید منتشر شده و گوگل قول انتشار نسخه iOS را نیز داده است، اما به نظر می‌رسد که کاربران بلک‌بری و ویندوزفون و سایر پلتفرم‌ها سهمی از مزایای این خدمات جدید نخواهند داشت. به این ترتیب، کاربر در واقع در اکوسیستمی قرار می‌گیرد که سرویس، ابزار دسترسی به سرویس و حتی فرمت ذخیره اسناد در آن به صورت اختصاصی متعلق به یک شرکت است و این شرکت تمام آن‌ها را با انواع الگوریتم‌هایش، تنها برای رسیدن به یک هدف می‌کاود. این از دید من نکته بسیار مهمی است، حتی اگر شعار آن شرکت «شیطنت نکن» باشد و هدفش چیزی بیش از روند بی‌آزار یافتن بهترین و مناسب‌ترین تبلیغ، نمایش آن به شما و گرفتن پورسانتی چند سنتی از یک شرکت طرف سوم نباشد.

البته این بحث و انتقاد، روی دیگری هم دارد. هرچند که لحن این مجوز و تعداد

اختیاراتی که گوگل مطالبه می‌کند، ممکن است در مرحله نخست کمی خصمانه به نظر برسد، اما از سوی دیگر نشانه‌ای از سیاست کاملاً باز و آشکار گوگل دارد. از دید من حتی چنین لحن خصمانه‌ای بسیار پذیرفتنی‌تر از نمونه‌های دیگری نظیر DropBox است که در بخش مجوزهایش بدون هیچ آشکارسازی خاصی به کاربر می‌گوید که «ممکن است» برای انجام برخی امور به مجوزهایی از سوی او نیاز داشته باشد و کاربر باید مجوز «کارهایی از این قبیل» را برای ادامه و نگهداری سرویس به شرکت واگذار کند.

هرچند باید پذیرفت که DropBox هیچ‌گاه قادر نخواهد بود در حد و اندازه‌های گوگل به تحلیل و بررسی و استخراج اطلاعات از داده‌های تحت اختیارش بپردازد یا از آن‌ها سود ببرد، اما این برای من تنها نشانی از صداقت «بیشتر» گوگل نسبت به سایر سرویس‌دهندگان است.

خاطرم هست که در یکی از وبلاگ‌هایی که دنبال می‌کردم، مطلبی خواندم که وضعیت کاربران را با قهرمان فیلم «ترومن شو» مقایسه می‌کرد. ترومن در دنیایی ساختگی به دنیا آمده و بزرگ شده بود که از ابتدا به منظور ضبط تمام زندگی او؛ حتی در خصوصی‌ترین لحظات و کسب درآمد از طریق به اشتراک‌گذاری تمام آن لحظات با سایر مردم دنیا ساخته و پرداخته شده بود. با روند روبه رشد ثبت داده‌های ما، از اطلاعات فردی و خصوصی مانند عکس‌ها در شبکه‌های اجتماعی گرفته تا اسناد و مدارک سازمانی و کاری در ابرها و حتی سلاقی تماشای فیلم و انتخاب موسیقی در سرویس‌های فراهم‌آورنده خدمات چندرسانه‌ای، ما بیشتر و بیشتر به در نقش ترومن فرو خواهیم رفت و ذره‌بینی که ما را دنبال می‌کند بخش‌های بیشتری از زندگی ما را پوشش خواهد داد. مسئله این است که آیا می‌توانیم یا حتی بالاتر از آن می‌خواهیم که به آن دیوار آسمانی رنگ برسیم یا نه!